

تحلیل جمعیت شناسی طلاق در ایران



دکتر محمود مشفق

دانشیار گروه جمعیت شناسی

دانشگاه علامه طباطبائی

moshfegh@atu.ac.ir

دانشگاه گلستان

شنبه

۱۴۰۲/۱۱/۲۸

ساعت ۶:۰۰-۷:۳۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَٰنَ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ

آفَانُ لِبَاسٌ شَمَا وَشَمَا لِبَاسٌ أَنَهَا هَسْتِيدُ.

سوره بقره، آیه شریفه ۱۸۷

مقدمه

- ▶ در شرایط کنونی طلاق یکی از مسائل مهم فرهنگی، اجتماعی و حقوقی کشور ما محسوب می‌شود.
- ▶ از دیدگاه جامعه‌شناسی طلاق زمانی تبدیل به یک آسیب اجتماعی می‌شود که حد آن از آستانه‌های متعارف و قابل تحمل اجتماعی بگذرد و یا به عبارتی افزایش آن با افزایش جمعیت و همچنین افزایش ازدواج‌ها متناسب نباشد و تعداد طلاق از حد معینی بگذرد.
- ▶ یا به بیان دیگر پدیده طلاق مرضی تلقی شود، در این موقع است که طلاق به عنوان یک مسئله اجتماعی می‌تواند جامعه را تحت الشعاع خود قرار دهد.

ادامه مقدمه

پارسنز به عنوان یکی از صاحب نظران اصلی این نظریه، دو کارکرد اساسی برای خانواده (هسته‌ای) زمان خود قائل شده است:

۱. کارکرد اجتماعی کردن

۲. کارکرد شکوفایی و ثبات شخصیت بزرگسالان.

وی اشاره دارد که این دو کارکرد تنها در روابط صمیمی و محبت‌آمیز خانواده امکان‌پذیر است.

کارکرد تثبیت شخصیت بزرگسالان که پارسنز با بهره‌گیری از اصول روانکاوی، آن را یکی از دو کارکرد مهم هر خانواده و بسان سپری در مواجهه فشارهای روانی روزمره داشته است، فقط در شرایط عاطفی ایده‌آل میان زن و مرد به وجود آمده و باعث قوام و همبستگی زندگی زوجین می‌شود.

نظریه ها:

الف) همسان همسری

نظریه همسان همسری از سوی جامعه‌شناسان ارائه شده است که می‌توان آن‌ها در ابعاد زیر خلاصه نمود:

الف) بعد جغرافیایی - اجتماعی: کرنولند (۱۹۹۵) می‌گوید (نظریه هم‌جواری می‌پذیرد که ازدواج در میان اشخاصی که از نظر جغرافیایی و اجتماعی به یکدیگر نزدیک هستند به مقیاس گسترده‌تری انجام می‌شود تا ازدواجی که معلول تصادف باشد) و می‌افزاید (معنای این سخن، سلطه و چیرگی مکان بر اراده انسان نیست، بلکه بدین معناست که کسانی که به هم نزدیک هستند تعداد زیادی صفات و عادات همگون دارند).

ب) هامیلتون معتقد است: میان سعادت خانوادگی و همگونی تحصیلات بستگی مستقیمی وجود دارد.

ج) به اعتقاد وود در اثر معروفش (ازدواج از دیدگاه مذهبی) عنوان می‌کند که هر قدر همگونی میان دو همسر از نظر مذهب و نژاد کمتر باشد، اختلاف و کشمکش‌های ایشان بیشتر است (ندوشن و توسلی، ۱۳۹۰).

ب) تئوری آنومی

▶ به مفهوم فقدان اجماع در مورد اهداف اجتماعی، از دیدگاه جامعه شناسان، آنومی انتظارات جمعی و الگوی رفتار برای اعضای جامعه است. این حالت منجر به محو و غیبت تدریجی آتوریت و ضابطه اخلاقی می شود و جامعه کنترل اجتماعی خود را از دست می دهد.

▶ هنگامی که جامعه در حال گذار و دگرگونی است، بسیاری از انسان ها دچار سرگردانی می شوند و قواعد و ارزش های جامعه، برای آنها بی اهمیت و کم ارزش می شود. از سوی دیگر، ارزش های جدید و منطبق با شرایط نیز، هنوز در جامعه جا نیفتاده است. در واقع، جامعه دو ساخت دارد. در این جامعه برخی از ساخت کهن و برخی از ساخت نوین تبعیت میکنند (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸)

▶ از هم پاشیدگی هنجارها و آنومی، وضعیتی را ایجاد می کند که آرزوهای بی حد و حصر ایجاد می شود و از آنجا که طبعاً این آرزوهای بی حد نمی توانند ارضا شوند، در نتیجه وضعیت نارضایتی اجتماعی پدید می آید که در جریان اقدامات منفی اجتماعی نظیر طلاق، خودکشی و غیره ظاهر می شود، که از نظر آماری قابل سنجش است (رفیع پور، ۱۳۷۸، ص ۱۸).

ج) نظریه تغییر ایده های و ارزشی

- ▶ در چارچوب این نظریه و برای تبیین تحولات خانواده و مؤلفه های آن، کالدول (۱۹۸۲) بر هسته ای شدن عاطفی و خانواده هسته ای و گسترش آنها از طریق آموزش عمومی و رسانه های جمعی و گسترش ایده ها و ارزش های غربی در سایر جوامع.
- ▶ رونالد لستهاق (۱۹۸۳) بر تغییر نظام معنایی و افزایش فردگرایی سکولار، تغییرات بنیادی در مفهوم ازدواج، گسترش زندگی خارج از زناشویی، آزادی جنسی، طلاق، فرزندآوری خارج از زناشویی و ...
- ▶ در کشورهای اروپای غربی و سرایت آن به خارج از اروپای غربی، باربارا منچ و همکارانش (۲۰۰۵) بر تغییرات سریع در نظام های ارزشی جوامع آسیایی، کاسترلین (۲۰۰۱) بر نوآوری رفتاری، تغییر ایده ها و دینامیک اجتماعی اشاره نموده و (۲۰۰۱ و ۲۰۰۴) بر آرمانگرایی توسعه تأکید نموده‌اند ۲ همکارانش و تورنتون (ر.ک: صادقی و همکاران، ۱۳۸۶).

د) نظریه کانگر (مشکلات اقتصادی)

- ▶ به نظر کانگر ، دوران های سخت اقتصادی در جامعه نتایج زیانباری بر خانواده ها به همراه دارد؛ از جمله آنها، احتمال وقوع گسیختگی خانواده و بی سامانی آن است.
- ▶ محرومیت اقتصادی تعاملات مثبت و سازنده زوجین را کاهش میدهد و آنها را به سوی طلاق سوق میدهد.
- ▶ مشکلات اقتصادی در بین زوجینی که منافع خانوادگی آنها برای بقای زندگی در سطح استاندارد مناسب نمی باشد، زندگی زناشویی آنها را بی ثبات می کند و مردان در این خانواده ها، بیشتر تعامل منفی دارند (Elder & Conger, ۱۹۰۰: ۶۴۶).

پاول بوهانون می گوید که افراد برای تکمیل فرایند طلاق، باید ۶ مرحله موازی را سپری کنند:

- ▶ **طلاق عاطفی:** کاهش علاقمندی عاطفی نسبت به همدیگر / رفتارهای بیگانه شدن و کناره گیری / این ممکن است به کاهش تعارض منجر شود زیرا یکی از همسران علاقه مندی به حل مسائل را از دست می دهد و نیروی خود را در طراحی یک راهبرد خروجی صرف می کند.
- ▶ **طلاق قانونی:** گام های قانونی برای رسیدن به طلاق، ایجاد توافق های قانونی، تسویه حساب های مالی، تصمیم گیری در مورد حضانت فرزند و غیره را شامل می شود.
- ▶ **طلاق اقتصادی:** شامل گام های عملی است که از طریق آن همسران، واحد اقتصادی موجودشان را مجزا کرده و دو واحد اقتصادی ایجاد می کنند. معمولاً اکثر جزئیات باید مورد گفتگو قرار گیرند. فرایند جداسازی مالی، خوب خانه داری کردن و موضوعات شخصی نظیر پیدا کردن یک یا دو مسکن جدید، استقرار مجدد و خانه داری کردن های جداگانه، چالش برانگیز است.
- ▶ **طلاق والدینی:** شامل تدوین یک طرح مفصل برای حضانت فرزندان، مشخص کردن نوع حضانت و روشن کردن جزئیات ارتباط کودک با هریک از والدین است. ایجاد یک رابطه عملیاتی با هر دو والد خیلی حساس است، زیرا والدین می خواهند فرصت خود را برای با بچه ها بودن (یا رهایی از آنها) به حداکثر برسانند.
- ▶ **طلاق اجتماعی:** اثرات طلاق روی روابط اجتماعی همسران و پایگاه اجتماعی بیرون از خانواده به همان اندازه ی جدا شدن خانواده است. فشارهای روانی ناشی از طلاق ممکن است تقاضاهای بیشتری را از شبکه اجتماعی همسران طلب کند. دوستان ممکن است کناره گیری کنند، زیرا احساس می کنند طرفداری یا عدم پذیرش این تغییرات، زشت است یا از ناحیه دوستان مجرد جدیدشان احساس تهدید می کنند. همچنان که افراد شبکه های آشنایی شان را ترک کرده و وارد شبکه های جدید می شوند، دوستی های جدید نیز باید برقرار شود.
- ▶ **طلاق روانی:** طلاق روانی اشاره دارد به کسب مجدد خودمختاری روان شناختی از طریق جدایی عاطفی از همسر قبلی. این شامل ایجاد بصیرت نسبت به سهم خود شخص در شکست ازدواج و فراهم ساختن پایه ای برای رشد شخصی است. این نظریه برای توصیف موضوعات و فرایندهای مختلف و چندگانه ای که در طلاق تأثیر دارند مفید است. بدیهی است همسران در حال طلاق، اکثر گام ها را قبل از امضای اوراق سپری کرده اند و پیش لרزه های طلاق، توسط اجتماع به همان اندازه زوجین احساس می شود.

نظریه اریکسون: تنزل صمیمیت

- ▶ اریکسون دوره ی 20 تا 40 سالگی را دوره ی صمیمیت در برابر انزوا می نامد.
- ▶ تعارض روانی مهم اوایل بزرگ سالی، صمیمیت در برابر انزوا است.
- ▶ این تعارض در افکار و احساسات جوانان نسبت به متعهد ساختن دائمی خود به یک همسر صمیمی منعکس می شود.
- ▶ برقرار کردن رابطه ای متقابل، صمیمانه و خوشنود کننده یکی از چالش انگیزترین مسائل آغاز جوانی و اوائل دوره بزرگسالی است.
- ▶ صمیمیت ایجاب می کند که زوجین هویت خویش را مطابق با ارزش ها و تمایلات دو نفر توصیف کنند.
- ▶ صمیمیت مسئله ای مهم اوایل بزرگسالی است و رضایت زناشویی یکی از مقوله هایی است که با میزان طلاق رابطه ی مستقیم دارد؛ زوجینی که صمیمیت را در رابطه متقابل خود احساس و درک می کنند، از زندگی زناشویی رضایت بیشتری دارند و کمتر احتمال دارد که از همسران خود جدا شوند و عکس این قضیه نیز ثابت شده است.
- ▶ زندگی زناشویی بدون دردسر با افزایش سلامت روانی و جسمانی مردان ارتباط دارد.
- ▶ در زنان کیفیت رابطه تأثیر بیشتری بر سلامت روانی آنها دارد، در نتیجه وقتی زندگی زناشویی مشکلاتی دارد، زنان بیشتر از مردان رنج می برند و روابط زناشویی در بدترین حالت می تواند زمینه را برای درگیری شدید، سلطه گری سلطه پذیری و خشونت هیجانی و جسمانی آماده می کند.

دگرذیسی در صمیمت

► از نگاه گیدنز، در دوران مدرن پدید آمده است. گیدنز در قالب مفهوم رابطه ناب تأکید می کند که رابطه ناب از سوی خود همسران سازماندهی شده و از سوی پدیدهای خارجی همچون خانواده گسترده، جامعه، مذهب یا هنجارهای سنتی تعیین نمی شود، رابطه ناب، بصورت داوطلبانه، خودمانی و خصوص از سوی همسران سازمان می یابد، و این بدان معنا نیست که رابطه ناب از سوی همسران برای مدت طولانی می تواند تضمین داشته باشد (گیدنز ۱۹۹۲، ۶۵ - ۴۹).

چگونه ایجاد صمیمت نمایم؟ با زبان عشق

پنج زبان عشق در بین اعضاء خانواده:

▶ ارائه خدمت به همدیگر

▶ داده هدیه به همدیگر

▶ وقت گذاشتن برای همدیگر

▶ رفتار و کلام تأیید آمیز

▶ تماس جسمی و دیداری

یافته های آماری

ازدواج و طلاق ثبت شده در کشور: ۱۳۶۰-۱۴۰۰

نسبت طلاق به ازدواج	رشد سالانه طلاق	رشد سالانه ازدواج	جمع		سال
			طلاق	ازدواج	
۸,۲۹			۲۴۴۲۳	۲۹۴۴۹۹	۱۳۶۰
۱۰,۳۵	۷,۵۹۱۰	۲,۹۳۶	۳۵۲۱۱	۳۴۰۳۴۲	۱۳۶۵
۸,۷۶	۲,۲۴۰۴	۵,۶۹۱	۳۹۳۳۶	۴۴۸۸۵۱	۱۳۷۰
۷,۸۹	۰,۷۸۴۵-	۱,۳۲۰	۳۷۸۱۷	۴۷۹۲۶۳	۱۳۷۵
۹,۴۵	۹,۸۷۴۹	۵,۹۷۸	۶۰۵۵۹	۶۴۰۷۱۰	۱۳۸۰
۱۲,۰۹	۹,۲۰۱۰	۳,۹۶۰	۹۴۰۴۰	۷۷۸۰۲۳	۱۳۸۵
۱۶,۳۳	۸,۷۱۹۷	۲,۳۷۲	۱۴۲۸۴۱	۸۷۴۷۹۲	۱۳۹۰
۲۵,۶۹	۴,۸۵۴۹	۴,۲۳۲-	۱۸۱۰۴۹	۷۰۴۷۱۶	۱۳۹۵
۳۵,۷۳	۲,۴۰۶۱	۴,۱۳۴-	۲۰۳۹۰۴	۵۷۰۶۱۸	۱۴۰۰

• نسبت طلاق به ازدواج تا قبل از دهه ۱۳۸۰ همواره حدود ۱۰ طلاق به ازاء هر ۱۰۰ ازدواج بوده است.

نسبت طلاق به هر ۱۰۰ ازدواج به تفکیک استانهای کشور در سال ۱۴۰۰

بیش از ۵۰ طلاق به هر ۱۰۰ ازدواج		بین ۴۰ تا ۵۰ طلاق به هر ۱۰۰ ازدواج		بین ۳۰ تا ۴۰ طلاق به هر ۱۰۰ ازدواج		بین ۲۰ تا ۳۰ طلاق به هر ۱۰۰ ازدواج	
البرز	۶۰,۱۹	مازندران	۴۸,۹۶	اصفهان	۳۹,۵۹	همدان	۲۹,۳۹
تهران	۵۲,۷۲	قم	۴۴,۷۰	قزوین	۳۶,۹۵	لرستان	۲۹,۱۳
کل کشور	۳۴,۰۹	سمنان	۴۴,۱۸	بوشهر	۳۵,۷۴	گلستان	۲۸,۸۹
		مرکزی	۴۳,۸۹	کردستان	۳۵,۵۹	کرمان	۲۷,۴۳
		گیلان	۴۲,۹۴	فارس	۳۴,۱۴	آذربایجان غربی	۲۷,۲۵
		خراسان رضوی	۴۱,۳۸	کرمانشاه	۳۳,۱۹	کهگیلویه و بویراحمد	۲۵,۶۴
				آذربایجان شرقی	۳۲,۷۴	خوزستان	۲۵,۳۷
				یزد	۳۲,۴۲	هرمزگان	۲۴,۲۴
				زنجان	۳۰,۸۳	ایلام	۲۴,۱۱
				اردبیل	۳۰,۳۱	چهارمحال و بختیاری	۲۱,۹۴
				خراسان شمالی	۳۰,۰۵	خراسان جنوبی	۲۱,۲۹
							زیر ۲۰
						سیستان و بلوچستان	۸,۲۸

• نسبت طلاق به ازدواج تا قبل از دهه ۱۳۸۰ همواره حدود ۱۰ طلاق به ازاء هر ۱۰۰ ازدواج بوده است.

میانگین سن ازدواج در سال ۱۴۰۰

جنس	کل	شهری	روستایی
مرد	۳۰,۲	۳۰,۵	۲۸,۲
زن	۲۵,۲	۲۵,۶	۲۲,۵

میانگین سن ازدواج مردان به تفکیک استان در سال ۱۴۰۰

استان	کل	شهری	روستایی	استان	کل	شهری	روستایی
	۳۲ سال و بیشتر				بین ۲۵ تا ۳۰		
تهران	۳۲,۷	۳۲,۷	۳۱,۱	خوزستان	۲۹,۴	۲۹,۵	۲۷,۶
البرز	۳۲,۲	۳۲,۲	۲۹,۴	آذربایجان غربی	۲۹,۱	۲۹,۵	۲۷,۴
	بین ۳۰ تا ۳۲			خراسان شمالی	۲۹,۱	۲۹,۶	۲۷,۸
مازندران	۳۱,۸	۳۱,۹	۳۱,۱	خراسان رضوی	۲۹,۰	۲۹,۳	۲۶,۵
فارس	۳۱,۵	۳۱,۵	۳۰,۹	کرمان	۲۸,۹	۲۹,۰	۲۷,۳
ایلام	۳۱,۵	۳۱,۶	۳۰,۸	گلستان	۲۸,۹	۲۹,۸	۲۷,۴
مرکزی	۳۱,۳	۳۱,۵	۳۰,۲	یزد	۲۸,۷	۲۸,۷	۲۸,۸
کهگیلویه و بویراحمد	۳۱,۲	۳۱,۵	۳۰,۰	هرمزگان	۲۸,۱	۲۸,۵	۲۷,۱
گیلان	۳۱,۲	۳۱,۵	۲۹,۷	خراسان جنوبی	۲۷,۶	۲۸,۲	۲۶,۱
قزوین	۳۱,۲	۳۱,۳	۲۹,۵		بین ۲۵ تا ۲۷		
کرمانشاه	۳۱,۱	۳۱,۱	۳۰,۸	سیستان و بلوچستان	۲۵,۸	۲۵,۹	۲۵,۴
اصفهان	۳۱,۰	۳۱,۱	۲۹,۵				
سمنان	۳۱,۰	۳۱,۰	۳۰,۷				
بوشهر	۳۰,۸	۳۱,۱	۲۹,۵				
همدان	۳۰,۸	۳۱,۰	۲۹,۵				
کردستان	۳۰,۶	۳۰,۹	۲۹,۵				
لرستان	۳۰,۵	۳۰,۷	۲۸,۹				
چهارمحال و بختیاری	۳۰,۵	۳۰,۷	۲۹,۵				
آذربایجان شرقی	۳۰,۳	۳۰,۶	۲۷,۷				
اردبیل	۳۰,۲	۳۰,۲	۲۹,۳				
زنجان	۳۰,۱	۳۰,۳	۲۸,۷				
قم	۳۰,۰	۳۰,۰	۲۶,۵				

میانگین سن ازدواج زنان به تفکیک استان در سال ۱۴۰۰

استان	بیش از ۲۸ سال			استان	بین ۲۰ تا ۲۵ سال		
	کل	شهری	روستایی		کل	شهری	روستایی
تهران	۲۸,۶	۲۸,۷	۲۶,۹	چهارمحال و بختیاری	۲۴,۷	۲۵,۲	۲۳,۰
البرز	۲۸,۰	۲۸,۱	۲۴,۱	همدان	۲۴,۵	۲۵,۰	۲۱,۹
	بین ۲۵ تا ۲۸ سال			آذربایجان شرقی	۲۴,۳	۲۴,۷	۲۰,۶
گیلان	۲۷,۱	۲۷,۵	۲۴,۸	آذربایجان غربی	۲۴,۲	۲۴,۷	۲۲,۱
مازندران	۲۷,۱	۲۷,۳	۲۵,۷	زنجان	۲۴,۱	۲۴,۳	۲۱,۸
ایلام	۲۶,۹	۲۷,۲	۲۵,۷	اردبیل	۲۴,۰	۲۴,۱	۲۲,۲
اصفهان	۲۶,۵	۲۶,۷	۲۳,۶	خوزستان	۲۳,۹	۲۴,۱	۲۲,۱
سمنان	۲۶,۳	۲۶,۵	۲۳,۹	کرمان	۲۳,۹	۲۴,۱	۲۱,۵
کرمانشاه	۲۶,۲	۲۶,۳	۲۵,۲	گلستان	۲۳,۸	۲۴,۹	۲۲,۲
مرکزی	۲۶,۱	۲۶,۴	۲۳,۶	یزد	۲۳,۸	۲۳,۸	۲۲,۳
فارس	۲۶,۰	۲۶,۲	۲۴,۵	خراسان شمالی	۲۳,۶	۲۴,۱	۲۲,۳
کهگیلویه و بویراحمد	۲۶,۰	۲۶,۳	۲۴,۵	هرمزگان	۲۳,۵	۲۴,۱	۲۲,۲
کردستان	۲۵,۸	۲۶,۱	۲۴,۲	خراسان رضوی	۲۳,۵	۲۳,۹	۱۹,۹
قزوین	۲۵,۶	۲۵,۹	۲۲,۵	خراسان جنوبی	۲۲,۶	۲۳,۳	۲۰,۹
بوشهر	۲۵,۵	۲۵,۹	۲۳,۷	حدود ۲۰ سال			
قم	۲۵,۲	۲۵,۲	۲۱,۴	سیستان و بلوچستان	۲۰,۸	۲۱,۰	۲۰,۲
لرستان	۲۵,۱	۲۵,۴	۲۲,۸				

۱۴۰۰			۱۴۰۰		
طلاق	ازدواج	اختلاف سنی مرد به زن	طلاق	ازدواج	اختلاف سنی مرد به زن
۳,۰۷	۳,۰۴	۱-	۱۰,۰۷	۱۲,۱۵	+۱۱
۲,۰۸	۲,۰۴	۲-	۳,۴۶	۳,۸۶	۱۰
۱,۴۸	۱,۴۴	۳-	۴,۴۸	۴,۷۴	۹
۰,۹۹	۱,۰۳	۴-	۵,۴۸	۵,۶۹	۸
۰,۷۹	۰,۷۳	۵-	۶,۷۳	۶,۵۱	۷
۰,۵۸	۰,۵۶	۶-	۷,۶۱	۷,۱۰	۶
۰,۴۱	۰,۴۲	۷-	۸,۲۵	۷,۶۳	۵
۰,۳۱	۰,۳۰	۸-	۸,۵۸	۷,۹۰	۴
۰,۲۳	۰,۲۴	۹-	۸,۶۴	۷,۹۳	۳
۰,۱۸	۰,۱۷	۱۰-	۸,۰۷	۷,۵۸	۲
۰,۵۴	۰,۴۹	۱۱- و کمتر	۷,۲۶	۷,۱۷	۱
۱۰,۶۶	۱۰,۴۵	جمع	۱۰,۷۱	۱۱,۲۸	۰
			۸۹,۳۴	۸۹,۵۵	جمع

درصد طلاق بر حسب مدت ازدواج در سال ۱۴۰۰

۱۳۹۶			۱۴۰۰		
مدت ازدواج	درصد	درصد تجمعی	مدت ازدواج	درصد	درصد تجمعی
۱-۱	۹,۶	۹,۶	۱-۱	۶,۶۲	۶,۶۲
۲-۱	۹,۶	۱۹,۲	۲-۱	۷,۷۵	۱۴,۴
۳-۲	۸,۳	۲۷,۵	۳-۲	۶,۶۷	۲۱,۰
۴-۳	۷,۴	۳۴,۹	۴-۳	۶,۴۱	۲۷,۵
۵-۴	۶,۴	۴۱,۳	۵-۴	۵,۸۲	۳۳,۳
۶-۵	۵,۷	۴۷,۰	۶-۵	۵,۲۲	۳۸,۵
۷-۶	۵,۱	۵۲,۱	۷-۶	۴,۸۹	۴۳,۴
۸-۷	۴,۵	۵۶,۶	۸-۷	۴,۵۴	۴۷,۹
۹-۸	۴,۲	۶۰,۸	۹-۸	۴,۳۲	۵۲,۲
۱۰-۹	۳,۸	۶۴,۶	۱۰-۹	۴,۱۵	۵۶,۴
۱۱-۱۰	۳,۵	۶۸,۱	۱۱-۱۰	۳,۹۷	۶۰,۴
۱۲-۱۱	۳,۲	۷۱,۳	۱۲-۱۱	۳,۶۷	۶۴,۰
۱۳-۱۲	۳,۰	۷۴,۳	۱۳-۱۲	۳,۴۳	۶۷,۵
۱۴-۱۳	۲,۶	۷۶,۹	۱۴-۱۳	۳,۳۰	۷۰,۸
۱۵-۱۴	۲,۴	۷۹,۳	۱۵-۱۴	۲,۹۴	۷۳,۷
۱۶-۱۵	۲,۱	۸۱,۴	۱۶-۱۵	۲,۷۳	۷۶,۴
۱۷-۱۶	۱,۹	۸۳,۳	۱۷-۱۶	۲,۵۶	۷۹,۰
۱۸-۱۷	۱,۷	۸۵,۰	۱۸-۱۷	۲,۳۲	۸۱,۳
۱۹-۱۸	۱,۶	۸۶,۶	۱۹-۱۸	۲,۱۱	۸۳,۴
۲۰-۱۹	۱,۳	۸۷,۹	۲۰-۱۹	۱,۸۵	۸۵,۳
۲۱-۲۰	۱,۲	۸۹,۲	۲۱-۲۰	۱,۷۴	۸۷,۰
۲۲-۲۱	۱,۱	۹۰,۳	۲۲-۲۱	۱,۶۱	۸۸,۶
۲۳-۲۲	۱,۰	۹۱,۴	۲۳-۲۲	۱,۳۷	۹۰,۰
۲۴-۲۳	۰,۹	۹۲,۳	۲۴-۲۳	۱,۱۵	۹۱,۱
۲۵-۲۴	۰,۹	۹۳,۲	۲۵-۲۴	۱,۰۷	۹۲,۲
۲۶-۲۵	۰,۸	۹۴,۰	۲۶-۲۵	۰,۹۳	۹۳,۱
۲۷-۲۶	۰,۷	۹۴,۷	۲۷-۲۶	۰,۸۲	۹۳,۹
۲۸-۲۷	۰,۷	۹۵,۴	۲۸-۲۷	۰,۷۷	۹۴,۷
۲۹-۲۸	۰,۵	۹۵,۹	۲۹-۲۸	۰,۶۸	۹۵,۴
+۲۹	۴,۱	۱۰۰,۰	+۲۹	۴,۶۰	۱۰۰,۰

رابطه شیوه همسرگزینی و میل به طلاق

از نظر شیوه همسرگزینی:

► بیشترین متقاضیان طلاق در سبک‌های همسرگزینی عاشقانه و دوستانه (۷۴,۸) درصد

► کمترین متقاضی در سبک همسرگزینی فرهنگی (ازدواج بر اساس همسان همسری فرهنگی) با (۲۵,۲) درصد بوده است.

پیامدهای و آثار طلاق

بطور کلی پیامدها و آثار طلاق در سه بعد در مطالعات انجام شده به شرح زیر معرفی شده اند:

الف) پیامدهای عام جامعه ای

- ▶ تضعیف بنیان خانواده؛
- ▶ فراهم شدن زمینه برای شیوع و گسترش سایر انواع آسیب های اجتماعی از جمله فحشاء و روسپی گری، بی بند وباری های اخلاقی، اعتیاد، مصرف مشروبات الکلی و...؛
- ▶ فرسایش سرمایه اجتماعی: کاهش اعتماد بین فردی و کاهش تعاملات سازنده اجتماعی؛
- ▶ ایجاد زمینه برای قبح زدائی از طلاق و عادی سازی آن در سطح فرهنگ عمومی جامعه؛
- ▶ کاهش زاد و ولد و فرزندآوری.

(ب) پیامدها برای زن و مرد طلاق گرفته

- ▶ تحلیل و تضعیف قوای جسمی و روانی؛
- ▶ ایجاد احساس گناه، افسردگی، اضطراب و استرس بویژه بین زنان مطلقه؛
- ▶ مشکلات اقتصادی بویژه برای زنان مطلقه؛
- ▶ کاهش میل به ازدواج مجدد؛
- ▶ شکل گیری احساس نفرت و کینه نسبت به جنس مخالف؛
- ▶ احساس تنهایی و کاهش همبستگی اجتماعی فرد با اجتماع؛
- ▶ کاهش کیفیت زندگی؛
- ▶ برچسب زدن منفی بویژه برای زنان توسط اطرافیان؛
- ▶ کوچک شدن دامنه روابط اجتماعی؛
- ▶ تلاش در جهت پنهان کاری و مخفی کاری.



ج) پیامدهای طلاق برای فرزندان

- ▶ افت تحصیلی فرزندان؛
- ▶ شیوع بزهکاری و بدرفتاری بین بچه های طلاق؛
- ▶ مشکلات یادگیری، تمرکز، حل مسئله و توجه در امور درسی؛
- ▶ فرار از منزل، گسترش ولگردی در بین فرزندان طلاق؛
- ▶ افزایش احساسات منفی نظیر خشم، ترس، افسردگی در بین کودکان طلاق.

ویژگی های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روانی طلاق در ایران

- ▶ از نظر الگوی سنی، سن طلاق در کشور رو به افزایش بوده است. بطور کلی، وقوع طلاق عمدتاً در رده سنی ۲۰-۳۲ سال رخ می دهد،
- ▶ از نظر میانگین سن افراد طلاق گرفته، میانگین سنی زنان مطلقه 24 ± 2 و مردان 29 ± 2 سال است.
- ▶ از نظر اختلاف سن اختلاف سن زنان با شوهرانشان عموماً 4 ± 2 و مردان 6 ± 1 سال اختلاف سنی داشته اند.
- ▶ بیشتر افراد متقاضی طلاق ساکنین شهرها به ویژه شهرهای بزرگ کشور بوده اند.
- ▶ بطور کلی، زنان نسبت به مردان بیشتر متقاضی طلاق بوده اند.
- ▶ از شغلی به طور متوسط 74 ± 3 درصد زنان خانه دار و 62 ± 3 درصد مردان خواهان طلاق شغل آزاد دارند. از نظر سطح درآمد 75 ± 5 درصد دارای درآمد متوسط رو به پایین بوده اند و تعداد زیادی از آنها از ثبات شغلی مناسب برخوردار نبوده اند.

رتبه بندی تعیین کننده های طلاق در ایران بر حسب اندازه اثر

ردیف	نام متغیر	اندازه اثر (S.E)	سطح معناداری
1	شکل توزیع قدرت بین زن و شوهر	0.8	0.001
2	دخالت دیگران	0.713	0.043
3	رفتار خشونت آمیز	0.655	0.02
4	مهارت های ارتباطی	0.62	0.006
5	اعتیاد	0.58	0.02
6	تعداد فرزندان	0.57	0.073
7	اختلاف سنی	0.55	0.13
8	سطح درآمد	0.53	0
9	مشکلات جنسی	0.49	0.049
10	دینداری	0.44	0.036
11	سطح تحصیلات	0.42	0.03

این چرخش در منظومه علل طلاق می تواند حاوی پیام های مهمی برای ما درباره تغییر در ساختار خانواده ایرانی باشد. همواره یکی از ویژگی های اصلی خانواده های ایرانی مردسالاری و پدرسالاری بوده است، در سال های اخیر با افزایش تحرک اجتماعی زنان به ویژه ارتقاء سطح تحصیلات و افزایش مشارکت اقتصادی و اجتماعی آنها، این ساختار در معرض دگرگونی قرار گرفته است، مطالعات نشان می دهد هرچه مشارکت و استقلال اقتصادی زنان بیشتر شود، امکان اینکه مردان بر آنها اعمال قدرت کنند کمتر خواهد شد. زنان جامعه امروزی می خواهند در تصمیم گیری در خصوص روابط اجتماعی خانواده، هزینه کرد پول، خرید امکانات منزل، تربیت فرزندان نقش فعال و تعیین کننده داشته باشد، در حالیکه بسیاری از مردان این نوع مداخلات زنان را بر نمی تابند و ممکن است با واکنش های پرخاشگرانه بخواهد قدرت زن را در خانواده محدود کنند، لذا زنان در برابر این محدودیت ها مقاومت می کنند، که زمینه بروز ناسازگارها و نهایتاً طلاق فراهم می شود.

در این تغییر موازنه سنتی قدرت در خانواده، مدیریت تعارضات درون خانوادگی یک پارامتر مهم در حفظ انسجام خانوادگی به شمار می رود، در زمینه مدیریت تعارض، مهارت های اجتماعی و ارتباطی نقش بسیار مهمی دارند. زنان و مردان که توانمندی های ارتباطی ضعیفی دارند در کشاکش بهرمندی از سهم قدرتشان در خانواده با بن بست های اساسی مواجه می شوند و روابط صمیمی و محبت آمیز اعضای خانواده، تبدیل به رقابت های بی پایانی می شود که جو صمیمیمانه خانواده را از بین می برد، از بین رفتن این فضای صمیمی باعث اختلال های اساسی در کارکردهای خانواده می شود، پارسنز دو کارکرد اساسی خانواده های هسته ای محدود جامعه جدید را جامعه پذیری و شکوفایی و ثبات شخصیت بزرگسان می داند، معتقد است این دو کارکرد فقط در روابط صمیمی و محبت آمیز قابل تحقق است.

اقدامات لازم در خصوص کاهش دخالت‌های منفی اطرافیان

- ▶ ترویج فرهنگ پرهیز خانواده‌ها از دخالت‌های بدون آگاهی در امر زندگی زوجین؛
- ▶ دخالت اطرافیان با توجه به متخصص نبودن آن‌ها، قضاوت کردن آن‌ها در مورد رفتار زوج و سوگیری نسبت به هر یک از زوجین، نه تنها موجب کاهش مشکلات زوج نمی‌گردد، بلکه مشکلات بیشتری را در پی دارد. لذا توصیه می‌شود، زوجین در هنگام مواجهه با مشکلات فی‌مابین با مراجعه به مشاورین زوج درمانگر به حل مشکلاتشان بپردازند چرا که آن‌ها به لحاظ تخصصشان در حوزه خانواده به راحتی می‌توانند به حل مشکلات زوج کمک نمایند؛
- ▶ تقویت نقش حمایتی گری به جای دخالت گری والدین افراد برای ارتقای سلامت روان و کیفیت زندگی زوجین جوان.

راهنمادهای ترویج مهارت های ارتباطی

- ▶ تقویت مهارت های ارتباطی بین زوجین، توانایی شناخت عواطف و ویژگی های بیولوژیک و روان شناختی جنس مخالف؛
- ▶ با توجه به فراوانی سن طلاق در بین ۲۱ تا ۳۱ ساله ها توصیه می شود آموزش مهارت های ارتباطی، سازگاری و زندگی و خدمات مشاوره ای در این سنین ارائه گردد؛
- ▶ آگاهی هایی در زمینه تمایز یافتن زوجها از خانواده های اصلی خود به هر دو خانواده داده شود تا زوجها بتوانند با کسب استقلال نسبی در خانواده جدیدی که قصد تشکیل آن را دارند سرمایه گذاری کرده از بروز و اختلافات و تعارضات خانوادگی جلوگیری شود؛
- ▶ آموزش شیوه تفکر منطقی و مهارت های ارتباطی صحیح در قالب کلاس های آموزشی؛
- ▶ فراگیر کردن فرهنگ گفت گوی مسالمت آمیز بین اعضای خانواده ها؛
- ▶ یادگیری شیوه های ابراز عشق و علاقه زوجها به یکدیگر؛
- ▶ اختصاص دادن زمانی برای گفت و گو و ابراز محبت و تبادل نظر با یکدیگر؛
- ▶ افزایش دانش ها و مهارت های ارتباطی مردان و زنان جوان و ارائه آموزش های نظری و عملی به آنها، به منظور کسب آگاهی و شناخت دقیق از ویژگی های جنس مخالف و پرهیز از به کارگیری کلیشه های جنسیتی در برخورد با همسر برای افزایش قدرت تحمل و بالا بردن میزان تفاهم و سازگاری زناشویی؛
- ▶ پرهیز از به کارگیری کلیشه های جنسیتی در برخورد با همسر خود؛
- ▶ تقسیم کار و آموزش مهارت های ارتباطی درون خانواده؛
- ▶ آموزش حل تعارض به زوجها در درون خانواده؛
- ▶ افزایش قدرت تحمل روانی، تاب آوری و کنترل رفتاری.

اقدامات لازم در خصوص حل مشکلات جنسی زوجین

- ▶ آگاه‌سازی و آموزش جوانان در شرف ازدواج در زمینه مسائل جنسی توسط افراد صالح و آگاه؛
- ▶ بهبود کیفیت روابط جنسی در بین زن و شوهرها در فضای خانواده؛
- ▶ درمان مشکلات جنسی زوجین (همانند زود انزالی، بی میلی جنسی و...)
- ▶ ترغیب جوانان برای پرهیز از روابط جنسی قبل از ازدواج و یا خارج از ازدواج؛
- ▶ ممانعت از گسترش سایر جایگزین‌های ازدواج به شکل معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج؛
- ▶ آموزش خود مهارگری و در ارتباط سالم و شرعی با جنس مخالف در مدارس و دانشگاه‌ها.